

در اینجا لازم میدانیم که از جناب آقای میرزا احمد صاحب یزدی مدیر تجارتخانه نمازی در شنگهای عرض تشکر کنیم و عکس ایشان را زین صفحات مجله سازیم؛ زیرا جناب ایشان علاوه بر اینکه جزو صاحب همان مذکور در فوق بوده‌اند، نیز مبلغ پانزده لیره ارسال داشته‌اند که معادل آن مبلغ از انتشارات ایران‌شهر بمدارس ایران هدیه بدهیم و ما هم در نظر گرفته‌ایم مقداری از کتاب راه نو را بعضی از مدارس خوزستان و سیستان و کردستان و بلوچستان که بکلی از فیض معارف بی‌بهره هستند، بفرستیم. اینست خدمت حقیقی بمعارف و اینست مضمی همت و حمیت ملی!

ح. ک. ایران‌شهر

بقیه از شماره ۱۱

قسمت اقتصادی

شرح حال غوص و غواص در خلیج فارس

بموجب خبریکه اخیراً رسیده ریاست اداره فلاحات و تجارت و فواید طمه در بندر مین و لنکه بمحمد آقای میرزا محمد علی خان سدید کبابی نگارنده این طمساه مفروض شده است. امیدواریم با این اطلاعات هیج که دارند خدمات بزرگ کنند و از قایقهای خارجه نیز تمنا میشود که کالاهای خود را بخدمت ایشان بفرستند، تا بنظر تبار برسانند.

بموجب استانسٹیک کمر کی مرواریدیکه از بندر لنکه بخارجه

خارج شده در چهار سال اخیره بدین موجب است:

در سال یونت ٹیل بهندوستان پانصد و شصت و پنجهزار

روپیه، به عمان هزار روپیه، جمع پانصد و هفتاد و سه هزار روپیه.

در سال قوی ٹیل بهندوستان دوپست و شصت و هشت هزار

و بیست (۲۶۸۰۲۰) روپیه، عمان دوازده هزار روپیه، جمع

دوپست و هشتاد هزار و بیست روپیه.

در پیچی نیل به هندوستان دو میلیون و دو بیست و هشت هزار و پانصد روپیه، بعراق یازده هزار روپیه، جمع دو میلیون و دو بیست و نوزده هزار و پانصد روپیه.

در سال تخاقوی نیل به انگلستان شش هزار روپیه، بهندوستان صد و بیست و سه هزار و یکصد و پنجاه روپیه، به فرانسه یازده هزار روپیه، به عراق سه هزار و سیصد و شصت روپیه، بعمان بیست و هشت هزار روپیه، جمع ۱۷۱۵۱۰ روپیه.

از استانسٹیک گمرکی خواه در لنکه خواه در بحرین حقیقت مقدار مروارید خروج شده معلوم نخواهد شد چونکه بیشتر بطور سرقت با خود بهندوستان برند و آنچه وارد اداره گمرکی نمایند و بدخواه خود قیمت کنند و از دبی عمده مروارید بهندوستان رود. آنجا هم اداره گمرکی وجود ندارد. این است که در هندوستان هم از روی حقیقت تعیین نخواهد شد چون اداره گمرکی آنجا همین محذور دارند بعلاوه در ادارات آنجا رشوه و تعارف بیشتر از ایران معمول است.

آنکسیکه بدریا فرو رود و صدف جمع نماید معروف است به غیص و آنکسیکه در کناره کشتی خواهد ایستاد دو رشته بندی که در دست و پای غیص است، در دست دارد سیب گویند. غیص منتهی دو دقیقه در آب توقف کرده و صدف جمع نماید. چون نفس آن تنگی کند رشته را که در دست دارد حرکت دهد. فوراً سیب او را بالا کشیده و بعد از تجدید تنفس مجدداً بقمر دریا رود. اسباب غواصی عبارت باشند از دو رشته بند و یک رشته آن ملصق به گلوله ایست از سرب یا به سنگی و زین که تقریباً دو من نبریز وزن دارد، برای سنگینی که غیص را بدریا فرو برد، آن رشته را به پا بندد و رشته دیگر غیص در دست خود گرفته چون

بقر دریا رسد فوراً رشته اولین را باز کند و هر موقع قس تنگی نماید رشته دومین تکان دهد، سیب ملتفت شده او را بالا کشد. دیگر چیز کوچکی است که آنرا قید گویند و از شاخ ساخته شده و غیص بریننی خود گذارد که آب در بیننی فرود و دیگر انگشت بند است که از چرم ساخته‌اند و انگشتها را در آن کنند که در موقع کندن صدف و محار انگشتها مجروح نشود. دیگر ظرف مشبکی است و معروف است به دین که از ریسمان ساخته شده است و در گردن آویخته‌اند؛ صدف و محاریکه جمع نمایند در آن ریزند و بیشتر غیصها عریان شده و غوص کنند؛ ندرتاً بعضی از آنها نیم شلوار پوشند.

در صورتیکه مخارج غیص و سیب و ناخدا خود صاحب کشتی دهد دیگر صاحب کشتی آزاد است که آنچه عاید شده در نحت اختیار خود آزادانه بفروش رساند و آنگونه فروش را «بیع الخلوی» گویند. در صورتیکه مخارج کشتی را از دیگران قرض کنند سند بقرض دهنده دهند که عایدات خود را فقط بقرض دهنده فروخته باشند. در این حالت عایدات آنها ارزان قیمت شده و فروش خواهد رفت و آنرا «بیع العمیل» گویند. در هر حال مخارج را خواه صاحب کشتی دهد خواه قرض کننده آنچه شده است از عین عایدات کسر نمایند و بعد عایدات را تقسیم نمایند. بعد از وضع مخارج که عبارت از خوراکی عمله‌جات کشتی شود پنج يك عایدات را برای صاحب کشتی خارج سازند و به اندازه يك قمر غیص بحکومت یا شیخ متبوع آن کشتی داده شود و به اندازه سهم يك قمر غیص و نصف سهم آن به ناخدای کشتی دهند و بقیه فیما بین غیص و سیب تقسیم شود. يك سهم و نصف به غیص و يك سهم به سیب داده خواهد شد.

عوارض سفاین غوص

در بناد و جزایر شیکویه که حکومت آن قاط را هنوز شیوخ اداره مینمایند از هر يك قر غواص که رعیت آن قطه است موقی که بنوص میرود چهارده رویه انگلیس شیخ آن قطه در یافت مینماید. دیگر سهم يك قر غیص است از عاهدات که به شیخ آن قطه دهند و در بناد عمان و بحرین و قطر و قطیف چهارده رویه مزبور مرسوم نیست، لیکن از هر کشتی يك گونی برنج و يك من قهوه شیخ متبوع آن کشتی دریافت سازد و اسم آن مالیات را «طراز» گویند و در بندر کویت از سال ۱۳۲۰ بر کشتی غوص مانند سایر قاط حق حکومت تعیین کرده و سهم يك قر غیص از هر کشتی دریافت دارند.

معمول دیگر شیوخ قاط ایران و عربستان این است که هر دانه بسیار گران‌بهایکه استخراج شود در قیمت آن شرکت دارند و بهمین عنوان يك مبلغ از صاحب آن دریافت سازند.

حد اقل غیص و سیب در هر کشتی شش قر است و حد اکثر هشتاد قرند، منوط به بزرگی و کوچکی کشتی میباشد.

در همه قاط دریا از سواحل ایران و عربستان محار که يك نوع صدف کوچکی و نازک است، صید شود و مروارید بیشتر از آنها بیرون آید. لیکن مروارید در دشت نادراً در آنها پیدا شود. نزد اهل غوص معروف است که محارها بعد از آنکه شکافتند بایستی در دریا ریزند و عقیده دارند برای سال آینده تولید محار و مروارید جدید خواهد نمود. در موقعیکه تجارت آلمانیها در خلیج فارس جریان داشته معامله محار يك رشته تجارت معتبری شده بود. آلمانیها اتباع کرده و به آلمان میفرستادند. از هذالسنه

آلمانها که بخلیج فارس آمده‌اند شروع باین معامله کرده‌اند و صدق در اطراف جزایر سری و فرور و بوموسی و رؤس الجبال زیاد باشند و بیشتر از صدنهما هرچه بزرگتراند مروارید در آنها دیده نشود.

بنادر و جزایر ایران که مفاص و غواصی دارند.

بندر ظاهری جزو بنادر دشتی است و مفاص آن بندر معروف است به «رأس الداس» که در طرف قبله واقع شده و شیخ آن قطعه شیخ حاتم است. تقریباً اهالی بندر طاهری و برگ شصت سفینه صغیر دارند که در همان رأس الداس غوص می‌نمایند دیگر بدریاهها نمیروند.

بندر علو و بید خان و نایند و مالکی که از بنادر تلاته محسوب شود و متعلق به آل حرم است تقریباً سی فروند سفاین کبار و شصت فروند سفاین صغیره دارند و مفاص مخصوص آنها موسوم به رأس نایند بعد از آنکه در آنجا غوص کردند سفاین کبیره خود را بدریاهها فرستند.

بستانو که انتهای بنادر تلاته و ابتدای بنادر شیبکویه است تقریباً چهل کشتی دارند در حدود خود غوص کرده و بعد به ببحوجه دریا روند و سفاین صغیره آنها معدود است.

توضیح — بنادر تلاته و دشتی در تحت امر حکومت بوشهر است و بنادر شیبکویه در تحت ایالت فارس و ابواب جمع قوام الملك است.

بندر شیوه در حدود شیبکویه است و بندرگاه گابندی است و حکومت گابندی با شیخ مذکور است و قوس بندر شیوه تقریباً دوپست خانه وار شود و معاش کلیه آنها از غواصی است.

بندر مقام و نخلو و جزه و مکاحیل که آنرا مچاحیل هم گویند و مسکن بنی حماد و آل بدو است و شیخ آنجا از شیوخ مضرب شیبکویه است، تقریباً سی کشتی بزرگ و پنجاه کشتی کوچک دارند بدو سفاین کبیره در اطراف قریه جزیره شیخ شیب غوص کرده بعد به بجزوه دریا روند.

بندر چيرو مسکن طایفه عیدلی است. هیجده فروند کشتی بزرگ دارند که بدو در چيرو غوص کرده و بعد به بجزوه دریا رفته و تقریباً بیست سفینه صغیره دارند که بغوص اطراف خود اکتفا کنند.

بندر کلات و بندر گرزه که هم جزو چيرو است و بیست فروند سفاین کبیره دارند.

طاحونه که آنرا ناونه هم گویند و طایفه بشری در آن مقیمند دوازده کشتی بزرگ و بیست کشتی کوچک دارند. بدو در مغرب بندرگاه خود در مفاص امویه غوص کرده بعد به بجزوه دریا روند. بندر چارك بملاحظه جزیره قیس که قریب اوست در بنادر شیبکویه اهمیت دارد. از بنادر شیبکویه فقط بندر مزبور مالیات خود را بحکومت بوشهر دهد و آل علی مقیم آنجا باشند و با سکه و شیوخ ام القیوین از بنادر عمان اقارب قریه‌اند. آنها هم آل علی باشند. خلاصه در چارك سی کشتی بزرگ و چند کشتی کوچک موجود که بعد از غوص اطراف جزیره قیس به بجزوه دریا رفته یعنی سفاین کبیره آنها.

بندر حسینیه طایفه مرازیق در آنجا مقیم و هشت کشتی بزرگ دارند که به بجزوه دریا روند.

بندر مغوک بنادر شیبکویه در آنجا باسپاه رسیده و خاک

بندر لنکه شروع شود و شیخ و اهالی از طایفه مرازیق باشند سفاین کبیره آنها سی فروند است و بعلاوه چند فروند سفاین صغیره دارند که در رأس بستانه فقط غوص مینمایند.

دوان جزو بندر لنکه است و بیست فروند سفاین کبیره دارند. بستانه در حدود بندر لنکه است و ده کشتی بزرگ دارند و چند کشتی کوچک که آنها در مغرب خود بستانه معروف به رأس بستانه غوص مینمایند.

بندر لنکه جزو حکومت بوشهر است و بیست و هشت کشتی بزرگ مخصوص غوص در آنجا موجود است که بیست و دو کشتی آن متعلق به آل بوسمیط است که در لنکه مقیم باشند و سفاین بیست و هشت گانه هیچگونه مالیات بدولت ندهند. آل بوسمیط در سال هزار و سیصد و شانزده دریا بکی سالیانه هشتصد رویه بر آنها مالیات گذاشته و اخیراً در موقصیکه مسروپ خان ریاست مالیه بنادر بود، آنها موقوف کرده‌اند و مطول آن معلوم نیست.

جزیره شیخ شعیب در تحت حکومت بنی حماد است و جزو بندر مقام محسوب میشود و از جزایر مهمه خلیج فارس است و در اطراف آن جزیره مفاص مروارید موجود است و در تابستانها يك مرکز خرید و فروش مروارید آن جزیره است که غواصها و تجار به آنجا روند. خلاصه اهالی بیست و پنج کشتی بزرگ و معدوداً سفاین صغیره دارند.

جزیره هندرآبی در تحت حکومت آل علی و جزو بندر چپرو است و چنین معروف است که زیاد بد آب و هواست و سفاین غوص آنها کبیراً و صغیراً ده فروند شود. نازک امیر البحر معروف اسکندر یونانی در سیاحت نامه خود جزیره هندرآبی

و جزیره هنگام را بهین اسم حالیه نام برده است.

جزیره قیس در تحت حکومت آل علی و جزو بندر چارك لیکن از حیث حکومت و مالیات جزو فارس و قوام الملك است و جزیره مزبور از زمان میرزا علی محمد خان قوام الملك ثانی در تصرف آن خانواده است و ادعای ملکیت مینماید و سال گذشته قوام الملك حالیه جزیره مزبور را در بیست و پنجهزار تومان به سطوت الممالک پسر صولت الملك ضابط بستک فروخته‌اند و در سنوات گذشته هر سال هشتصد تومان بضوان مالیات جزیره قیس شیخ چارك قوام الملك می‌پرداخت و در هذه السنه مطالبه دو هزار و پانصد تومان از سطوة الممالک کرده‌اند گویا زیر مالیات مزبور هنوز نرفته است، بساری جزیره قیس از جزایر مهمه تاریخی محسوب می‌شود. شاید يك موقع به عقیده نگارنده تاریخ و صاف ملوک بنی قیصر در آن نقطه سلطنت داشته‌اند. حال هم عواید آن جزیره بیشتر از سایر نقاط بنادر و جزایر شیبکویه است که به شیخ نشینان آن نقاط خواهد رسید و مرواریدیکه در اطراف آن جزیره استخراج میشود، بیشتر از سایر نقاط مربوطه بایران است. علاوه بر آن بملاحظه خوبی بندر گاه و وجود آب در آن نقطه بیشتر از عوایصان برای فروش عایدات خود به آنجا آمده و تجار هم به آنجا آیند و بعد از دله که جزو جزایر عمان است اولین متجر مروارید است و در تابستانها زیاد اهمیت پیدا مینماید و هندوهائیکه برای تجارت مروارید بآنجا آیند هر کدام از بیست ریال معادل ده تومان الی پنجاه ریال به شیخ جزیره قیس دهند و خود جزیره هم تقریباً هفت هشت نفر تجار معتبر برای تجارت مروارید دارد. تقریباً خود اهالی شصت فرزند سفاین کیره و یکصد و پنجاه سفاین صغیره دارند که بیشتر

آنها در اطراف خود جزیره غوص مینمایند و عایدات حکومت آنجا سالیانه تقریباً متجاوز از سی هزار روپیه انگلیسی میشود. جزیره فرور جزو بندر مفاست و شن کشتی بزرگ دارند. توضیح — بنادر از بستانو تا به دوان و جزایر از شیخ شعیب تا به فرور جزو شیکویه است و قبل از آن جزو بنادر ثلاثه و دشتی و بعد از آن جزو بندر لنکه است.

توضیح — امرار معاش بیشتر سکنه بنادر و جزایر شیکویه از کشتی غوص و غواصی است.

جزیره هنگام از جزایر مسلمة ایران و یکدرجه در تحت قوذ انگلیسها واقع شده. شرح احوال و حالت سیاسی آن جزیره مبسوطاً در کتاب «اعلام الناس فی احوال بندر عباس» نگاشته‌ام. جزیره مزبور جزو حکومت عباسی است و گذران عربها بیکه ساکن آن جزیره‌اند از غوص و غواصی است. تقریباً سی و چهار کشتی کباراً و صغیراً دارند و شیخ آن قطه آنچه معمول به شیوخ قاطد دیگر است از کشتی و غواص ددیافت کند و بهیچ اسم و رسم مالیات بدولت ایران ندهد. گذشته از مالیات هیچگونه اطاعتی از حکومت عباسی یا حکومت بنادر ندارد.

جزیره قشم جزو حکومت عباسی است. تقریباً هر سال دوست نفر از سکنه آنجا محض غواصی به شیکویه و عمان روند و بعد از مراجعت هر یک خواه غیص خواه سبب باشند چهار روپیه بحکومت قشم دهند. در سواحل هنگام و بنادر قشم محار پیدا شود، لیکن نادراً مروارید داشته باشند.

جزیره سری جزو حکومت بندر لنکه است. معاش سکنه آنجا از غوص و غواصی است و تقریباً بیست کشتی دارند که غوص

دریا میروند. در زمستانها در سواحل خود جزیره غوص کرده مروارید اندکی بدست آرند. غواصها در غوص سواحل جزیره سری مجبورند حریه برای محافظت با خود داشته باشند. چون یکموس ماهی در آن حدود است موسوم به «امعلیمو» که بغواصها صدمه رساند. بعضی از تجار هندو در موسم غوص از جزیره قیس بجزیره سری آمده مروارید سکه آنجا هم میخرند.

توضیح — يك نفر صاحبمنصب انگلیسی که اسم آن حال یاد ندارم در کتاب خود موسوم به «اقیانوس» که در سال هزار و هشتصد و یازده تألیف کرده و بنظر نگارنده رسیده و در سال هزار و هشتصد و هشتاد و سه در لندن بطبع رسیده است، نکاشته در سنه ۱۸۱۱ هفتاد و پنج کشتی انگلیسی به لنگه آمده و معادل ۴۱۰۱۵۰ پوند طلا مال التجاره از لنگه صادر کرده اند. بدیهی است مال التجاره مزبور مروارید بوده. در آن سنوات بندر لنگه اهمیتی برای تجارت نداشته و بندر لنگ که در زمان پرتقالیها آباد بود، خراب و ویرانه شده بود.

جزیره خارک جزو حکومت بوشهر در تحت قوذ خوانین بندر ریگ است و سکه آن حدود خود غوص نمایند و ربع عایدات خود را بحکومت بندر ریگ دهند و در آن دریا محار بیشتر از مروارید بدست آید. در موقعیکه آلمانها اتباع محار می نمودند سالیانه چهار هزار تومان انتفاع بحکومت بندر ریگ از فروش محار بود. چون کشتیها مجبور بودند محار خود را بحکومت دهند و برای هر کشتی پنج تومان دریافت نمایند و حکومت با قیمت گزاف محار بآلمانها فروش کرده در حدود سال ۱۳۰۰ و اند نگارنده خورد سال بود و مرحوم علیقلی خان مخبر الدوله وزارت علوم و میرزا عبد الوهاب خان شیرازی آصف الدوله

وزارت تجارت داشتند. گویا دولت ایران توسط شرکت کشتیهای «بریتیش اندیه» مقابله با يك نفر انگلیسی در غوص حدود خارك نمود و يك نفر غواص با اسباب مخصوص غواصی که تقریباً دو ساعت ممکن بود در آب توقف کند شرکت مزبور وارد کرده و حاج احمد خان پدر نگارنده از طرف دولت علیه مأمور این خدمت شدند و منوار پسر پلیرس چندی بود که بخلیج فارس وارد شده و در آن سنوات استعداد صحیح داشته. شیوخ و خوانینی که بنادر و جزایر در تصرفشان بود خائف بودند. خانلی خان ضابط بندر ریگ هم در ظاهر استتکاف از جستجو در دریا نمود، لیکن سرآ به راهنمایان که اهل جزیره خارك بودند، تعلیمات داده که حیات و مواقع غوص را نشان ندهند. این بود که غواص مزبور مجبور شده در نقاط عمیق از دریا فرو رود و محار جمع کند. تقریباً ده کشتی پر از محار جمع شده و وارد بوشهر کرده و محارها را شکافته تقریباً پنجاه مثقال خاکه مروارید در آنها یافتند. دولت هم بعد از این خیال منصرف شده و حیات آن حدود چون برای کشتی خطرناک نیست، در نقشه‌ها ترسیم نشده است. در جزو محارها اشجار متحجر شده دریائی و اشجار بر سر زیاد غواص فوق هم خارج نموده بود که بدون فایده در بوشهر مهمل افتاد. ناموقعیکه دولت قرض خوانین و شیوخ را محو قمرماید ممکن نیست فایده از خزاین مخزونه در دریای خلیج فارس برد. بنادر عمان. معاش عمده سکنه آنجا از غوص و غواصی است و

غواصها بیشتر از دو فرقه باشند. يك فرقه تبعه ایران و از اجحاف زمامداران خود بمان فرار و مهاجرت کرده‌اند و بیشتر آنها سکنه مضافات عباسی و بلوچستان و فرقه دیگر اشخاصی هستند که در قید رقت عربها درآمده یعنی غلام آنها باشند و آنها را

شخصاً یا اجدادشانرا ابتیاع کرده‌اند و قسمت عمده این فرقه سیاهان نوبه و زنگبارند و یک عده هم از آنها اتباع ایران باشند که همشهریهایشان آنها را اسیر کرده و بعمان برده و فروشد. این عده هم بیشتر از اهل مضافات عباسی و بلوچستان باشند و فرقه نالته مرکب باشند از خود عربها و از اجیر شدگانی که از بنادر و جزایر خلیج فارس یا از مضافات مسقط روند و بعد از پایان غوص و تجارت مروارید حقیقتاً راجع به جزیره بحرین و بنادر عمان میشود.

تعداد تقریبی سفاین کبیره غواصی عمان بدین موجب است:

رأس الخیمه تقریباً یک صد فروند کشتی شود.

جزیره ضباب. جزیره مزبور جزو حکومت رأس الخیمه است و تقریباً سی کشتی دارد و ضباب را به زاء اخت الراء هم نوشته‌اند. ام القیوین. حکومت آنجا با آل علی است که از اقارب آل علی مقیم بندر چارک باشند. شیخ آن قطعه از امضا دهندگان معاهدات عمان و انگلیسها است.

توضیح — شیوخ بنادر شارجه و دبی و ام القیوین و بوجنی و حمیره و عجمان امضاکنندگان معاهدات با انگلیسها باشند. در عمان و بقیه نقاط در تحت اوامر شیوخ ششگانه مزبوره‌اند. حمیره تقریباً شصت کشتی دارد.

عجمان تقریباً شصت کشتی دارند و عربها عجمان را بجای جیم یا مثنات نختانیه هم استعمال کرده‌اند.

حیره بر وزن خیره بندر شارجه است و تقریباً ۲۰ کشتی دارد. بندر شارقه. قاف را با جیم هم نوشته‌اند و طایفه جواسیم در آنجا مقیم باشند و طریقه وهایه را دارند. قاچاقچیان دریا

در سلطنت فتحعلی شاه قاجار همین طایفه بوده‌اند که انگلیسها با اسم ممانت آنها صاحب نفوذ در خلیج فارس شده‌اند. عقیده نگارنده در وجه نسیه شاره این است که تحریف سارقه است. شیخ آنجا امروز هم از شیوخ مقتدره است و موافقت کامله با افکار انگلیسها دارد. برخلاف شیوخ دبی و بوضی. خلاصه از سکه خود شاره تقریباً پنجاه نفر تجارت مروارید نمایند. بقیه از غوص آن و کشتی غوص تقریباً یکصد و هشتاد فروند شود.

جزیره بوموسی تعلق بایران دارد لیکن سالها است شیوخ شارجه و رأس الخیمه تصاحب کرده‌اند. در آن جزیره معدن گل سرخ که آنرا «اکسید دوفر» گویند، موجود است. قبل از حرب عمومی برتیبی تجارتخانه «ونک هاوس» آلمانها در آنجا تصرفات کرده و به ترتیبات مخصوصه انگلیسها ممانت کرده‌اند چنانچه مبسوطاً در تاریخ خود نگاشته‌ام و در سال گذشته انگلیسها معدن مزبور را از شیخ شارجه اجاره کرده و یک چند هم مشغول استخراج اکسید دوفر شدند. بعد چون دولت ایران در صدد استخراج اکسید دوفر جزیره هرموز بر آمد آنها موقوف داشته چون بقرض اصلیه که بد تصرف خود و سکوت دولت ایران بود موفق شدند و اکسید دوفر بوموسی برونق اکسید دوفر هرموز نبوده و شاید مشتری نداشته دیگر استخراج آنرا بعد از موفقیت پلنکی ضرر خود دیدند. خلاصه سکه جزیره بوموسی تقریباً ده کشتی غوص از خود دارند.

خان بندر مزبور هم جزو حکومت شارجه است و تقریباً چهل فروند کشتی دارند.

دبی بندرگاه تجارت عمان است. کشتیهای آنشی بانجا

آمده و مال التجارة خود را فرود آرند. تا کنون شیخ آنجا قبول
 تموده که تلگرافخانه و پستخانه دولتی انگلیسها و وکالت قونسول
 گری در آنجا ایجاد شود. علاوه کلبه اروپائیها ممنوعند از ورود
 به آنجا. در موقع بروز طاعون در سال گذشته هم قبول نکردند
 که طبیب اجنبی بانجا رود با وجود اینکه خود هم طبیب نداشته‌اند.
 فقط خود را مقید به ایفاء مواد اولیه معاهده اجداد خود که بعد
 خود امضا کرده‌اند می‌شمارند. بفر از شیخ شارجه که میخواهد
 دار التجارة را از دبی به شارجه انتقال دهد بقیه شیوخ عمان همین
 عقیده شیخ دبی را دارند. آنچه روشن است همواره همین اختلاف
 عقیده وجود داشته است. چنانچه در سابق هم وجود وکالت
 قونسولگری انگلیسها بشرط اینکه از عربها و مسلمین تعیین نمایند
 هیچیک از شیوخ عمان بفر از شیخ شارجه قبول نکرده و تا کنون
 وکالت قونسولگری عمان که با یک نفر از تازیان جزیره خارک
 است، در شارجه توقف دارد و اعمال قوود در نقاط دیگر مینماید.
 مبسوطاً شرح بنادر عمان و شیوخ مستقلة آن و معاهدات
 انگلیسها را در جلد دوم کتاب خود موسوم به «مفاسس اللیالی و
 منار اللیالی» نگاشته‌ام. تال جامع علوم انسانی
 بیشتر مرواریدیکه به هندوستان رود از دبی خواهد رفت چون
 کشتیهای آتشی به آنجا آیند و زحمات گمرکی ماتد بندر لنگه
 و جزیره بحرین نداند. تقریباً هر سال هشتاد نفر از تجار هند
 و معروف به بانیان برای تجارت مروارید به دبی آمده و حکومت
 از هر يك پنج ربال معادل بیست و پنج قران به عنوان جزیه در
 یافت کند. سفاین کبیره و متوسطه غواصی در آنجا تقریباً هشتصد
 فروند شود. تجار مرواریدیکه از اهل دبی باشند بیست و دو
 نفر شوند و در قریه دیره از قراء متصله به دبی سکونت نمایند.

جزیره از توابع دبی محسوب شود و کشتی کبارشان بیست فروند است.

بوضی — شیخ آن قطعه شیخ المشایخ عمان محسوب شود تا موقعیکه زاید بن خلیفه شیخ آنجا حیات و تقریباً هفتاد سال حیات حکومت آنجا را داشت مسموع بالفرد بود و انگلیسها برای انجام مرامات خود همواره احتیاج به بوضی داشتند اگرچه حال همان شئون سابقه باقی است لیکن بواسطه اختلافات فیما بین اولاد زاید از آن درجه کاسته شده است و زاید بن خلیفه همواره مایل بود در تحت اوامر دولت علیه ایران استقرار یابد. در حدود هزار و سیصد و چهار که حاج احمد خان بندر نگارنده بندر لنگه را از تصرف شیوخ جواسم خارج نمود. چنانچه در «مفاس اللثالی» مبسوطاً درج شده بقید اینکه در تحت حمایت ایران آید خدمتها نمود و در سال هزار و سیصد و هفده آن نامه را مرحوم احمد خان دریابگی نازه کرده و فرمان لقب شیخ المشایخ و شمشیر مرصع به افتخار زاید بن خلیفه از دربار ایران صادر کردند. چون امور مزبوره از اولیاء دولت تعقیب نداشته بدون نتیجه افتاد. خلاصه این وقایع جملات مترضه است که درین وجیزه نگارش داده شد.

عایدات شیخ بوضی بملاحظه جزیره دله که سابقاً مرقوم شد، بیشتر از شیوخ دیگر است. تقریباً هشتاد هزار رویه از مالیات طراز و غیره شیخ آنجا دریافت مینماید. تقریباً یکصد و بیست کشتی غوص دارند.

جزیره بحرین — مرکز مفاس و تجارت مروارید است، در حقیقت صلاحیت دارد مکناة به ام اللثالی شود. تقریباً دو هزار

و ششصد سفاین غواصه کباراً و صغیراً دارد. عایدات حکومت آنجا از غوص مانند سایر نقاط عمان است که نگارش افتاد. تجارت گاه عمده فروش تجار به تجار در آنجا میشود. مبسوطاً در آینده راجع به بحرین لایحه عرض کرده تقدیم خواهد نمود.

بندر قطر — در خاک نجد واقع شده و شیخ و حکومت مستقل دارد، لیکن همیشه دولت سابق عثمانیها و امارت نجد در خصوص آن نقطه نزاع داشته و تفوق بر حکومت آنجا پیدا نکرده اند. حال عثمانیها در میان نباشند و امارت نجد را قوه قاهره بیشتر شده و انگلیسها ضدیت با امارت مزبوره در ظاهر نمینمایند و شیوخ آن نقطه هم یکدرجه ضعیف شده اند میتوان گمان نمود آن نقطه در تحت استقلال امارت نجد باطناً در آمده است. خلاصه سابقاً غوص و تجارت مروارید آن ناحیه تعلق بخود شیخ آنجا داشته چنانچه جاسم بن ثانی پدر شیخ حالیه هر سال بیشتر از دوازده میلیون رویه مروارید به هندوستان میفرستاد. در اواخر زندگانی خود که از حد تجاوز کرده ورشکست شده و همین نکته اسباب ضعف آن خانواده شد. تقریباً سفاین غواصه قطر و توابع آن از نهصد فروند تجاوز شود.

اطلاع — کلیه کشتیهایکه غوص مینمایند متعلق به بنادر ایران و عمان و سایر عربستان کلیه پرده قرمز که مخصوص عربها است بلند مینمایند و نادراً علامت شیر و خورشید در آنها دیده میشود.

انواع مروارید — بهر نوع اسم مخصوصی گذاشته اند، اول «جیون» بروزن شیون که بهتر و شفافتر از انواع دیگر است خصوصاً هرگاه غلطان باشند یعنی در کف دست گیرند غلطیده، نوع دیگر معروف است به «یکه» بروزن مکه، نوع دیگر معروف

است به «ثانی»، نوع دیگر معروف است به «سماوی» که برنگ آسمانیست، نوع دیگر معروف است به «ثانی سماوی» که هم صفات نوع ثانی و هم نوع سماوی را دارد. نوع ششمین معروف است به «بدله» که آنهم به چار درجه تقسیم نمایند. قیمت بدله از هر يك چار که وزن مخصوص مروراید است، سی رویه انگلسی الی الی يك رویه فروشند. نوع هفتم معروف است به «ناعمه» یعنی خاکه، آنهم انواع دارد. از يك مثقال متعارف در يكصد رویه الی دو آنه فروش رود.

تذیل — اسامی حیات بدرجه که استقصا شده نگاشته می شود. توضیح آنکه قاف را عربیاییکه در حدود خلیج فارس هستند بیشتر تبدیل به جیم یا تبدیل به کاف فارسی کرده و تلفظ کنند مانند قاسم و جاسم، قواسم و جواسم، قطر و کطر، قطیف و کطیف، رقیق و رکیک چنانچه رق را رگ گویند. رگ عبارت از يك برآمدگی از زمین است که يك آب رقیق و نازکی آن برآمدگی را پوشانیده است. در اسامی حیات هر جا رگ و رگت آید مقصود از تلفظ آنست نه کتابت آن که رق و رقت است. بعضی از حیات را که اختصاص به قطه داده شده است، مقصود این است که اهل آن قطه در آن قاط بیشتر غوص مینمایند و بغیر از اسامی ذیل حیات دیگر هم هست که چندان اهمیت ندارند.

- ۱— اشته، ۲— ابو عماره، ۳— ابو الحزب، ۴— ابو التابه،
- ۱— اشته، ۲— ابو عماره، ۳— ابو الحزب، ۴— ابو التانه،
- ۵— الشایع، ۶— الخوزه، ۷— حرف النجاهی، ۸— ابو النخوش،
- ۹— ابو غبار، ۱۰— ابو مرجان، ۱۱— ابو حصیر، ۱۲— بوسور،
- ۱۳— بن نصار، ۱۴— رجله. نقاط مزبور فوق یکدرجه تعلق به بحرین دارد. ۱۵— ابو الهباء، ۱۶— الضایع، ۱۷— جالول، ۱۸—

ام‌الغیب، ۱۹—ام‌الکطان، ۲۰—شیف لفان، ۲۱—الدیل.
 قاط مزبوره فوق یکدرجه تعلق به اهل قطر دارد. ۲۲—ام‌الشیف،
 ۲۳—ارزکوه، ۲۴—اللجه، ۲۵—عجوة النزاق، ۲۶—زیب
 الصیر. آن چند قطه تقریباً تعلق به اهل دبی دارد. ۲۷—یاسر،
 ۲۸—رکت الصایغ، ۲۹—بو‌الخلاخیل. حیاترث ثلاثه مزبور
 قریب جزیره سری واقع و تعلق بآن جزیره دارد. مرواریدیکه
 در حیر بو‌الخلاخیل پیدا میشود کمال قاست را دارد. ۳۰—نجوی
 فرور. قریب و متعلق به جزیره فرور و بندر مغو است. ۳۱—ام
 الصلصل، ۳۲—ام‌الخریص، ۳۳—لوحاکول، ۳۴—بو‌البزم،
 ۳۵—بو‌الماغیم. مرواریدیکه در این چند قطه اخیره خارج
 شود هم غایت قاست را دارد مانند ام‌الشیف و ابو‌النحوس که
 آنرا النجوش هم گویند و بو‌الخلاخیل و ابو‌غبار که سابقاً اسامی
 آنها گذشت. ۳۶—معرض، ۳۷—رکت المنیع، ۳۸—الجذیر،
 ۳۹—ام‌البندق، ۴۰—خریص داس، ۴۱—ام‌الخشاش، ۴۲—
 حیر البوم، ۴۳—مدوره، ۴۴—خریص ام‌الخشاش، ۴۵—عد
 الشرقی، ۴۶—عد‌القری، ۴۷—ام‌الکتیف، ۴۸—ام‌العظام،
 ۴۹—الفلان، ۵۰—ابو‌الخینر، ۵۱—بو‌قریه، ۵۲—بو‌قرعه،
 ۵۳—رکت عیسی، ۵۴—حیر قفا، ۵۵—رکت الداس، ۵۶—
 المعراض، ۵۷—حیر‌المخرم، ۵۸—الصندیق، ۵۹—رکت علی،
 ۶۰—بو‌الهمبار، ۶۱—شکتی، ۶۲—ام‌الخرط، ۶۳—الجنید،
 ۶۴—حیر بن‌عصبی.

توضیح — چون پیدایش محار و صدف حالت زراعت را
 دارد که در بعضی قاط بد شود و سال دیگر مخالف افتد، همین
 قسم دنیا با محار و صدف همان حال را دارد و نمی‌توان تشخیص
 داد از کدام قطه بیشتر استخراج محار و صدف خواهد شد.

مکتوب — اخیراً ملفوفه از مرحوم میرزا علی اصغر خان امین السلطان که بیست و پنج سال مسند صدارت ایران را اشغال نموده بدست افتاد. برای مزید بصیرت خوانندگان از اطلاعات وافی و اقدامات کافیة اولیاء امور خود ذیلاً نگارش داده شد و مقصود از سعد الملك در آن ملفوفه مرحوم حسینقلی خان است که در سال هزار و سیصد سعد الملك بودند و در سال هزار و سیصد و پنج نظام السلطنه شده و در هزار و سیصد و بیست و پنج وفات کردند. فقط اقدامات دولت بهمین يك ملفوفه خاتمه یافت.

صورت ملفوفه — از قراریکه اخبار تلگرافی داده بودند در بندر لنگه در آبهاییکه متعلق بایران است تازه صید مرواریدی بسیار خوب و اعلی میشود که خیلی ممتاز است. تلگرافاً بمقرب الخاقان سعد الملك اطلاع داده‌ام که سریمآ پایند و در مقام ممانت صیادان خارجه باشند و اگر موقع صید است برای دولت علیه صید نموده سریمآ نمونه فرستند بلکه يك نمونه هم همانطور با صدف که مروارید در جوف صدف است با چاپار فرستند. لزوماً بشما هم مینویسم در این فقره اهتمامات کامل بعمل آرید، کفایت و خدمت خودتان را بدولت معلوم دازید و زود تحقیقات لازمه از خارج و داخل نموده هرگاه ممکن باشد و بتوانید از صید جدید با چاپار دو نمونه فرستید که یکی در جوف صدف و دیگری اخراج شده. زیاده مطلب ندارد.

شهر محرم ۱۳۰۰ مهر امین السلطان

نگارش یافت در هفتم ذیقعدہ سال ۱۳۴۲ مطابق ۲۲ جوزا

۱۳۰۳ سال سیچقان تیل در بندر عباس.

